

کارکرد دینی و سیاسی ایزدبانو اناهیتا در عصر ساسانی بر اساس نوشته‌های فارسی میانه

شیمای جعفری دهقی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۳)

چکیده

پژوهش‌های بسیاری درباره ایزدبانو اناهیتا انجام شده که بیشتر آن‌ها بر اساس یافته‌های باستان‌شناختی است و کمتر پژوهشی به تجلی این ایزدبانو در نوشته‌های فارسی میانه پرداخته است. هدف از این پژوهش، بررسی نقش و جایگاه اناهیتا در دین و شهریارانی دوره ساسانی بر اساس نوشته‌های فارسی میانه است. در این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی، شواهد موجود درباره اناهیتا در آثار فارسی میانه بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که اناهیتا، به‌عنوان تجسم آسمانی و زمینی آب در جهان‌بینی زردشتی از ایزدان برتر و بسیار مهم بوده و در نوشته‌های فارسی میانه همچون بندهش و دینکرد، افزون‌بر توصیف زیبایی و نیرومندی او، بر نقش او در شکل‌گیری رویدادهای مهم اساطیری همچون زندگی زردشت و تولد منجی‌های جهان (اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانس) تأکید شده است. در کتیبه‌ها نیز نقش اناهیتا در امور سیاسی دوره ساسانی همچون گزینش کرتیر به‌عنوان نگهبان و موبد ستایشگاه‌های اناهیتا بارز است.

کلید واژه‌ها: اناهیتا، آردویسور، بندهش، دینکرد، فارسی میانه، کتیبه.

۱. مقدمه

ناهید، آناهید یا آناهیتا (آردوی سوره آناهیتا) - arədvī sura anāhītā ایزدبانوی آبها در فرهنگ ایران باستان بوده است و جایگاه مهمی در آیین‌های این دوره به خود اختصاص داده است. پیشینه ستایش او به دوره‌های کهن و حتی به زمان پیش از زردشت می‌رسد. آردوی - arədvī به معنی «رطوبت» [27, 194-195]، در آغاز نام رودخانه مقدسی بوده و به پیروی از اصل شناخته‌شده‌ای در اساطیر، نام رودخانه شخصیت خدایی پیدا کرده است [۳، ص ۲۵]. سوره یا سورا - sura [27, 1584-1585] بخش دیگر نام آناهیتا به معنی «نیرومند» و «پرزور» است و آناهیتا «پاک» و «بی‌آلایش» معنی می‌دهد. در باور ایرانیان باستان، ایزدبانو آناهیتا پاسدار و نگهبان چشمه‌ها و باران، نماد باروری، عشق و دوستی به زنان و سرچشمه تشکیل خانواده بود. در این دوره، زن و زایش و آبادانی و قدرت در کنار هم معنا یافتند و این ایزدبانو به‌عنوان الهه مادر نیز شناخته‌شد.

در دوره‌های مختلف تاریخ ایران باستان، این ایزد به همراه دیگر ایزدان و هرمزد، برترین ایزد، ستایش می‌شد. در دوره هخامنشی در کتیبه‌های اردشیر دوم (حکومت ۴۰۴-۳۵۹ ق.م) آناهیتا ستوده شده است [46, p.167]. همچنین، در دوره هخامنشی ناهید همراه با هرمزد و مهر، ایزدان سه‌گانه پراهمیتی بودند. در دوره اشکانی، شاهد گسترش ستایش این ایزد در سراسر فرمانروایی ایران هستیم. نام خاص «آب‌ناهید» برای نخستین بار در دوره اشکانی برای زنان درباری به کار رفته است [29, p.48] و این خود شاهی بر این است که پادشاهان اشکانی نیز بر ستایش این ایزدبانو اهتمام داشتند. باین حال، نوشته‌های موجود از دوره اشکانی درباره ستایش آناهیتا اندک است؛ اما تعداد آثار باستان‌شناختی و معابدی که برای ستایش آناهیتا در این دوره ساخته شدند، فراوان است.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش درباره آناهیتا بسیار گسترده است. بیشتر اوستاشناسان که به بررسی یشت‌ها، به‌ویژه آبان‌یشت پرداخته‌اند به‌گونه‌ای به این ایزد اشاره کرده‌اند. همچنین، پژوهشگران آیین زردشتی نیز بخش بزرگی از آثار خود را به آناهیتا اختصاص داده‌اند. کریستن‌سن این ایزد را برخاسته از غرب ایران در نظر می‌گیرد [32, p.10, 34] و نیبرگ او را برگرفته از اندیشه در شرق ایران و مرتبط با رودخانه سیحون می‌داند [51, pp.260-262]. پژوهشگرانی همچون گایگر [35, pp.46-52]، گری [40, pp.60-61] و ویدن‌گرن [55, p.19] آناهیتا را ایزدبانوی رودخانه جیحون برشمرده‌اند. بنویسند

اناهیتا را ایزدی متعلق به اساطیر غیرایرانی و آب‌ان‌یشت را افزوده متأخر به اوستا می‌شمارد [28,p.29]. لومل اناهیتا را ترکیبی از دو ایزد Sarasvatī و Harahvatī می‌شمارد [47, pp. 405-413]. از نظر ملاندرا، اناهیتا در یشت پنجم اوستا ترکیب متأخری است از دو ایزد قدیمی و جداگانه Anāhitiš و Ardwi Sūrā [48, pp.104-111]. سایر پژوهشگران از جمله بویس [201-204, 30, pp.29-31]، نیولی^۱ [137-139, 39, pp.126-131]، ملاندرا [49, pp.117-120]، پانائینو [53, pp.36-39] و دیانگ^۲ [34, pp.103-110] اناهیتای تاریخی را حاصل آمیزش «اناهیتا»، ایزدبانوی باستانی ایرانی با ایزدان دیگر از جمله «نانا»ی سومری و «ایشتار» بابل دانسته‌اند. برخلاف این پژوهشگران، کلنز [45, p.317] و هینتسه [43, p.105] اناهیتا را ایزدی کاملاً ایرانی می‌پندارند. کومون^۳ [33؛ ۱۹] و شامون^۴ [31؛ ۱۵] نیز به بررسی این ایزد پرداخته‌اند. کومون در مقاله‌ای با عنوان «اسطوره ایزدبانوی مزدیسنا» به ویژگی اناهیتا می‌پردازد و به ستایش این ایزدبانو در خارج از ایران نیز اشاره می‌کند [۱۹]. شامون در مقاله‌ای با عنوان «ناهید کیش و پراکنش او» به بررسی پرستش اناهیتا در دوره اردشیر و گسترش این آیین در بابل، شوش، هگمتانه و سارد می‌پردازد [۱۵].

در ایران بیشتر پژوهش‌ها بر اساس یافته‌های باستان‌شناختی انجام شده است و کمتر پژوهشگری درباره شخصیت او مستقیماً به نوشته‌ها، به‌ویژه نوشته‌های فارسی میانه اشاره کرده است. تاکنون، مقدم [۲۳]؛ مولایی [۲۴]؛ اسماعیل‌پور و اسماعیل‌پور [۱] و گویری [۲۱] به بررسی این ایزدبانو پرداخته‌اند؛ همچنین، برخی پژوهش‌های پراکنده دیگر نیز درباره این ایزد انجام شده است که به علت تکراری بودن از آوردن نام آن‌ها در این مقاله پرهیز می‌شود. مقدم در «جستارهایی درباره ناهید و مهر» تا حدودی به شخصیت اناهیتا پرداخته است. البته او در این اثر بیشتر به شخصیت تاریخی مهر پرداخته و کمتر از ناهید سخن گفته است. او «مهر تاریخی» را شخصیتی می‌داند که از دوشیزه ناهید، بانوی سکایی ایرانی، در شرق ایران زاده شده است. مولایی در «آبان‌یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی سوراناهید)» خواننده را با زوایای جدیدی از سرود دینی درباره ایزدبانو اناهیتا آشنا می‌سازد [۲۴]. یافته‌های وی بر اساس گزارش‌هایی که در توصیف اناهیتا در آبان‌یشت آمده است، سه سیمای نسبتاً متفاوت و متمایز از او

1 - Gnoli

2 - De Jong

3- Cumont

4- Chaumont

عرضه می‌کند: یکی تظاهر لاهوتی و تشخیص ایزدینه رودی عظیم و پهناور که در بزرگی به اندازه همه آب‌هایی است که در روی این زمین جاری می‌شوند [۲۴، ص. ۲۶]. دوم ایزدبانویی گردونه‌سوار است که لگام گردونه را در دست دارد و روان در آن گردونه خواستار مردی نریمان است تا به پاداش نیایشی که به جای آورده است، به او سعادت و کامیابی ارزانی دارد [۲۴، ص. ۲۷]. سومین، توصیف او به سان دوشیزه‌ای زیبا و توانمند و خوش‌اندام و کمربندبر میان‌بسته و بلندبالای نژاده‌ای است که جامه‌های فاخر پُرچین و آراسته به زیورها پوشیده... (همان جا). در پژوهشی دیگر با عنوان «نقش خدایان ایلامی در شکل‌گیری تثلیث ایزدی» به پیشینه ایزدان و ایزدبانوان اشاره شده و چنین نتیجه گرفته شده است که تثلیث ایلامی پینیکر و کریریشاه و اینوشیشنک در شکل‌گیری تثلیث ایزدی هرمزد، میترا و اناهیتا نقش داشته است [۱، ص ۲۷].

بنا بر آنچه گذشت، پژوهش‌هایی که درباره اناهیتا انجام شده به این مباحث پرداخته‌اند: اناهیتا در متون اوستایی، آیین‌های مربوط به اناهیتا، شمایل‌ها و پرستشگاه‌های مرتبط با اناهیتا، نقوش برجسته و نمادهای مرتبط با این ایزد^۱ و مقایسه این ایزدبانو با ایزدبانوان در اساطیر هندی و دیگر اساطیر جهان.

۳. نقش اناهیتا در شهریاری دوره ساسانی

اناهیتا نزد پادشاهان محلی پارس اهمیت ویژه‌ای داشت [۱۷، ص ۳۳۱؛ ۶، 30، pp.201-204]؛ بنابراین، ساسانیان را باید وارث سنت زنده‌ای به‌شمار آورد که سالاری آتشکده اناهید را از لوازم ضروری حکمرانی مشروع می‌دانست [۱۰، ص ۵۳]. فرمانروایی ساسانی نیز میراث ستایش این ایزد را پذیرفت. اناهیتا به همراه اهورامزدا ایزد یاری‌دهنده ساسانیان بود و احتمالاً از آغاز دوره ساسانیان در پرستشگاه‌ها، آتش مقدس اناهیتا جایگزین تندیس‌های او شده بود و دیگر پیکره‌ای در این نیایشگاه‌ها وجود نداشت [29, 1005].

فرمانروایان ساسانی دین و شهریاری را وابسته به یکدیگر می‌شمردند و به همین جهت، اناهیتا را یکی از ایزدان بخشنده شهریاری نیز می‌دانستند. به همین علت، او در چند نقش برجسته از این دوره، همچون ایزد بخشنده دیهیم شهریاری تصویر شده است؛

۱. برای آگاهی بیشتر درباره نقوش برجسته اناهیتا نک. [۱۸، صص. ۱۷۰، ۱۸۵، ۳۲۸؛ ۲۵، صص. ۳۱۶-۳۱۸؛ ۲۰، صص. ۳۱۷-۳۱۸؛ ۲۶، صص. ۹۵-۹۶؛ ۱۴، صص. ۱۲۰-۱۲۱].

همچنین، اسناد و گزارش‌های تاریخی و نیمه‌تاریخی همگی بر این نظر اتفاق دارند که دست‌کم بعضی از نیاکان بلافاصل اردشیر بابکان از اشراف محلی فارس و به گونه‌ای با آتشکده اناهیتا در استخر مرتبط بودند (برای آگاهی درباره منصب خاندان ساسانی در آتشکده اناهیتا نک. [۱۰، صص. ۴۳-۶۲]. آتشکده اناهیتا در استخر، چنانکه نولدکه به‌درستی متذکر شده، آتشکده خاندان سلطنتی ساسانی بود [50, p.90].

۴. اناهیتا و کرتیر

کرتیر موبد بانفوذ و سخت‌گیر اوایل دوره ساسانی بود که هم‌زمان با شش پادشاه (از اردشیر اول تا نرسه) قدرت داشت. در اواخر دوران اردشیر، او نوجوانی بود که تحصیلات دینی خود را به پایان برد و در آن زمان یا احتمالاً در زمان شاپور اول، عنوان هیرید یافت. در زمان هرمزد اول (۲۷۲ تا ۲۷۳ م.) پسر و جانشین شاپور اول، کرتیر ملقب به موبد اورمزد شد. پس از هرمزد، برادر او بهرام اول (۲۷۳ تا ۲۷۶ م.) پسر دیگر شاپور اول، به پادشاهی رسید و در این زمان قدرت کرتیر افزون‌تر شد. پس از بهرام، پسر وی، بهرام دوم (۲۷۶ تا ۲۹۳ م.) به پادشاهی رسید و کرتیر آن‌گونه که از القاب وی در زمان این شاه برمی‌آید، به نهایت قدرت خود رسید. او با ادیان دیگر به مبارزه برخاست، آتشکده‌ها برپا کرد و برای آن‌ها موقوفات فراهم کرد [۸، ص ۸۹]. نام اناهیتا در کتیبه‌های کرتیر آمده است [37, p16]؛ همچنین، نام او در کتیبه نرسه در پایکولی نیز ذکر شده است.

کتیبه کرتیر در ضلع شرقی دیوار کعبه زردشت در نوزده سطر و زیر تحریر پهلوی کتیبه شاپور نگاشته شده است و شامل این مطالب است: کرتیر در ابتدا خود را معرفی می‌کند و سپس عناوین و القاب خود را در زمان پادشاهان گذشته می‌آورد. آنگاه او به ذکر فعالیت‌های دینی خود مانند مبارزه با ادیان دیگر (مسیحیان، مانویان و یهودیان و ...) و تاسیس آتشکده‌ها و تخصیص موقوفات برای آن‌ها می‌پردازد. همچنین، از اصلاح موبدانی که به نظر او دچار انحراف بودند سخن به میان می‌آورد، فهرست ایالت‌هایی را که در زمان شاپور به تصرف ایران درآمده بود ذکر می‌کند و سرانجام، کتیبه با دعا به پایان می‌رسد [۸، صص. ۹۰-۹۱؛ ۱۶، صص. ۱۷۶-۱۹۳؛ 36, pp. 45-48]. در سطر هشتم این کتیبه چنین آمده:

8. ruwān rāy ān-am andar šahr abardar gāh ud padixšar kard, u-m gāh ud padixšar ī wuzurgān dād, u-m pad dar ud šahr ō šahr, gyāg ō gyāg hām-šahr pad kardagān ī yazdān pādixšāyтар ud kāmgar tar kard kū čiyōn ahē būd hēm, u-m hām-šahr mōwbēd ud dādwar kard, u-m staxr ādur ī anāhīd ardašīr ud anāhīd ī bānūg ēwēnbed ud pādixšāy kard, u-m akirīh nām kirdīr ī

۸. برای روان خویش، مرا در شهر گاه و ارج برتر کرد، مرا گاه و ارج بزرگان داد، مرا در دربار و شهر به شهر، جای به جای، در همه شهر، برای مراسم کاردگان، توانمندتر و فرمانروا تر از آنچه قبلاً بودم کرد، مرا در همه شهر، موبد و دادور کرد، مرا در آتشکده «ناهید - اردشیر» و «ناهید بانو» در استخر «آیین بد» کرد، مرا کرتیر... (ترجمه برگرفته از ۱۶، ص ۱۹۲ با اندکی تغییرات).

از این سنگ‌نوشته چنین برمی‌آید که کرتیر با پشتیبانی بهرام دوم، «موبد و دادور همه شهر (ایران‌شهر)» و «آیین بد» و «پریستار / فرمانروا» در آتشکده «آذرناهید اردشیر» و «ناهیدبانو» در استخر پارس شد [۱۲، صص ۶۴-۶۵؛ ۹، صص ۳۱-۴۶؛ درباره عنوان آیین بد نک. 41, pp.87-41]. دریافت چنین مقامی در دوره ساسانی نشان از اهمیت جایگاه کرتیر نزد فرمانروایان ساسانی از جمله بهرام دوم دارد.

کتیبه کرتیر در سرمشهد در نزدیکی کازرون دارای ۵۸ سطر است و از نظر مضمون به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخش نخست (سطرهای ۱ تا ۲۵) دارای این مطالب است: معرفی کرتیر و عناوین و القاب او در زمان شاپور اول تا بهرام دوم، فهرستی از ایالت‌های ایران و نیز ایالت‌هایی که جزو ایران نبوده و در زمان شاپور اول به تصرف ایران درآمده است، فعالیت‌های کرتیر مانند مبارزه او با ادیان دیگر و کوشش‌های او در استقرار دین زردشتی در سراسر قلمرو ساسانی، کمک‌هایی که به روحانیان کرده و آتشکده‌هایی که برپا داشته و مراسم دینی که در این آتشکده‌ها انجام داده است. بخش دوم کتیبه (سطرهای ۲۶ تا ۵۸) درباره معراج اوست. در بخش نخست کتیبه، کرتیر درباره آتشکده اناهیتا چنین آورده:

12. [...k'mk'l]yttry W p'th[š]'(dtry)... [']YK cygwn k[...m]gwpt W d'tw[bl] ('B) [...] 'rth[š]tr W 'nhyt ZY MR'T' [...] mgwpt W (št)ry
۱۲. ... فرمانروا تر و کامکارتر کرد تا آنچه پیش از آن بودم. و او مرا در همه شهر موبد و داور کرد. و او مرا در استخر به آذر (آتشکده) اناهید - اردشیر و ایزدبانو اناهیتا آیین بد و پادشاه کرد. او مرا نام کرد «کرتیر، روان‌بختر بهرام، موبد هرمزد». و شهر به (ترجمه برگرفته از [۲، ص ۷۱؛ همچنین، نک. 38, pp.387-418].

کتیبه کرتیر در نقش رستم در زیر نقش برجسته قرار دارد و دارای ۷۹ سطر است که بسیاری از آن‌ها آسیب دیده و مانند کتیبه سرمشهد دارای دو بخش است. بخش اول شامل سطرهای ۱ تا ۴۹ و بخش دوم از ۴۹ تا ۷۳ و از آنجا تا پایان موخره کتیبه است [۸، ص ۹۳]. در ادامه سطر ۲۵ کتیبه آمده که در آن به اناهیتا اشاره شده است:

25. (y) [']twry [ZY.....] W ['nhyt....] ('dwynp)t W [p't]h(š'y) [']BYDWNt

۲۵. و داور (قاضی) کرد؛ او مرا آیین بد و حاکم (خلیفه) آذر اناهید - اردشیر و بانو اناهید در استخر کرد [۲، ص ۱۰۴].

افزون بر آنچه گذشت، اناهیتا در کتیبه نرسه در پایکولی نیز آمده است. این کتیبه به دو زبان فارسی میانه و پارسی (پهلوی اشکانی) نوشته شده و از دوره ساسانی در سلیمانیه عراق باقی مانده و از لحاظ مضمون دارای سه بخش است؛ مقدمه، متن اصلی و مؤخره. مقدمه کتیبه شامل معرفی نرسه و نسب اوست. متن اصلی کتیبه شامل شرح رخدادهایی است که پس از درگذشت بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م.) تا حرکت نرسه از ارمنستان، مقررمانروایی او، به سوی ایران و دیدارش با بزرگان ساسانی در پایکولی اتفاق افتاده است و نیز متضمن شرح حوادثی است که به شکست بهرام سوم و به سلطنت رسیدن نرسه منجر شده است. در مؤخره کتیبه از صلح با رُم سخن رفته است و نام کسانی که در رسیدن به سلطنت او را یاری کردند، ذکر شده است [۸، ص ۹۴؛ نک. 42، 44، 55-1، pp. 54]. نام اناهیتا در سطر دهم این کتیبه آمده است (متن فارسی میانه):

10. W LNE AYK ZK prwltky H(ZY)[TNm] W P[W]N 'whlmzdy W
wsp'n yzd'n W 'nhyt ZY MR'T' SM MN 'lmm 'L 'yr'n štry lwny whycwmy
W mlcyk W krpk'ly W 'HRN p'tkwsy MNW pyšydy 'wzm'n HWYTNt 'L
'y[r'n štry] ... W...y LNH 'YK 'ŠMHNm

۱۰. ... و ما که آن نامه را دیدیم، به نام هرمزد و همه ایزدان و ناهید (ایزد) بانو، از ارمنیه به سوی ایران شهر رهسپار شدیم و مرزدار(ان) و کوهیار(ان) و دیگر نواحی که (از) پیش زمان در ایران شهر بودند ... (ترجمه برگرفته از [۱۶، ص ۱۲۳]).

در این کتیبه نرسه تأکید می‌کند که وقتی بزرگان ایران به‌اصرار، خواستار شاهنشاهی او شدند، او «به نام اورمزد و تمامی ایزدان و بانو اناهید» از ارمنستان رهسپار ایران شهر شد. این مسئله نشان می‌دهد نرسه ایزدبانو اناهیتا را حتی تا مقام هرمزد بلندمرتبه می‌داند و پیروزی‌های خود را مدیون این ایزدبانو به همراه هرمزد و دیگر ایزدان می‌شمارد.

۵. خویشکاری اناهیتا در داستان زندگی زردشت

یکی از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات دینی مربوط به زندگی پیامبران است. در متون دینی فارسی میانه، دینکرد مجموعه‌ای است نه‌کتابی که مبتنی بر اوستا و ترجمه‌های آن نوشته شده و در آن به زندگی زردشت پیامبر اشاره شده است. کتاب‌های اول، دوم و بخشی از کتاب سوم آن از میان رفته است. در میان بخش‌های به‌جامانده از این اثر، در کتاب نهم، مطالبی درباره اناهیتا و نقش او در اسطوره زندگی زردشت آمده است [۴؛ ۱۱]. این کتاب شرح و تفسیر سه نَسک (بخش/فصل) سوَدْگَر نَسک، وَرُشْت مَأَسَر

نَسْک و بَع نَسْک از بیست و یک نسک اوستاست. در وَرْشْت مَأْسَر نَسْک فصلی دربارهٔ زندگی زردشت آمده که در آن نقش ایزدبانو اناهیتا برجسته است [۷]:

11. ud Ohrmazd ō zardušt pad urwāhmanīh be grift pahrēz kardan ud aredwīsur ud ardwišang hamis kyān xwarrah zardušt tan mōšt.

۱۱. اورمزد زردشت (را) به اورواهمنی^۱ بگرفت پرهیزکردن،^۲ اردویسور و اهریشونگ همراه با فرّ کیان کیان تن زردشت پمُشت.

در این متن، زندگی اساطیری زردشت به این شکل روایت شده است: سه روز به تولد زردشت مانده، خانهٔ پوروشسب^۳ را نور فراگرفته بود و از همهٔ خانه نور می‌تافت. بزرگانِ ده گمان بردند که ده آتش گرفته است. به هراس افتادند و گریز اختیار کردند؛ اما در بازگشت دریافتند که به هیچ‌جای ده آتش نیفتاده است؛ بلکه در خانهٔ پوروشسب مرد شکوهمندی زاده شده و این روشنی از فرّه اوست. در لحظهٔ تولد او نیروهای زندگی‌بخش و مرگ‌آور به ستیز برخاستند. در این زمان اناهیتا سر و شانهٔ او، اشی خوب بر و پشت او و مینوی رادی سینه و رودگان او و ایزد دین پهلوی و فرّه کیانی سینهٔ وی را لمس کردند [۹، فصل ۱، بند ۳ به بعد].

بنا بر این داستان، اناهیتا در اسطورهٔ زندگی زردشت پیامبر نیز نقش اساسی داشت و این نشان از اهمیت این ایزدبانو در باورهای ایرانیان باستان دارد.

۶. اناهیتا، سرور همهٔ آب‌ها

یکی دیگر از آثار مهم به زبان فارسی میانه بندهش نام دارد. این اثر مانند بیشتر کتاب‌های فارسی میانه مجموعه‌ای است از مطالب گوناگون که از منابع مختلف گردآوری و با هم تلفیق شده است. مطالب این کتاب در مقدمه به سه دستهٔ اصلی تقسیم شده است: آفرینش اورمزد و دشمنی اهریمن؛ چگونگی آفریدگان و کیانیان. در این اثر با دو سیما از اناهیتا روبه‌رو هستیم. یکی اختر یا ستاره‌ای که سپاهبد نیمروز است و اهریمن او را بر ضد سدویس (ستارهٔ اورمزدی) از سرشت آب آفریده است [۵، صص. ۵۶، ۵۸، ۶۰] و دیگری ایزدبانوی محبوبی که سروری همهٔ آب‌ها را به دست می‌آورد و پدر و مادر^۴ آن‌ها می‌شود [۵، ص ۴۹].

۱. شادی

۲. دفاع کردن

۳. نام پدر زردشت

۴. اینکه در این بخش از بندهش اناهیتا به‌عنوان پدر و مادر آبها تصویر می‌شود احتمالاً نشان از تأثیر اساطیر بین‌النهرینی بر اسطورهٔ اناهیتا دارد.

در بخش چهارم درباره چگونگی و علت آفرینش آفریدگان برای نبرد آمده:

19. čahārom az mēnōgān šahrewar u-š az dahišn ī gētīg ayōxšust ō xwēš grift u-š dād pad ayārīh ud hamkārīh xwar ud mihr ud asmān ud anagrān ud sōg ī weh ud **ardwīsūr** ud hōm yazad ud dahmān āfrīn čē ayōxšust awestwārīh az asmān ud asmān bun-gōhr z'w ayōxšustēn u-š winnārīšn az anagrān... [52, p. 49].

۱۹. چهارم از مینویان شهریور است. او از آفرینش مادی فلز را به خویش گرفت. به باری و همکاری او خور و مهر و آسمان و آنگران،^۱ سوگ نیکو، اردویسور و هوم ایزد، بُرز ایزد و دهمان آفرین داده شدند؛ زیرا فلز را استواری از آسمان است و آسمان را بن‌گوهر آبگینه‌گون فلز است و او را قرار از انگران است ... [۵، ص ۴۹].

همچنین، در فصل درباره بزرگ کرداری ایزدان مینوی آمده:

34. mēnōg-ē(w) ī abāg mihr ham-kār sōg xwānēnd. hamāg nēkīh ka az abargarān ō gētīg brēhēnīd nazdist ō sōg āyēd sōg ō māh abespārēd ud māh ō **ardwīsūr** abespārēd ud **ardwīsūr** ō spīhr abespārēd ud spīhr pad gēhān baxšēd... [52, p.299].

۲۶. مینویی را که با ماه همکار است، سوگ خوانند. همه نیکویی‌ها که از آبرگران به گیتی آفریده شد، نخست به سوگ آید. سوگ (آن را) به ماه بسپارد، ماه به اردویسور بسپارد و اردویسور به سپهر بسپارد، سپهر به جهان بپراکند... [۵، ص ۱۱۱].

91. u-š [mēnōg ī] hamāg ābīhā **ardwīsūr āb ī anāhīd** mād ī ābān tōhm ī narān ka az xōn pālūd ēstēd ud mādagān-iz ka zāyēnd ud dudīgar ābus bawēnd xwēškārīh ī ardwīsūr. burz yazad mehmān ānōh kū ardwīsūr āb ī a-winast... [52, p.308].

۹۱. او را (اوش بام را) [همکار] مینوی همه آبها، اردویسور آب، اناهید، مادر آبهاست. (نگهداری) تخمه نران، چون از خون پالوده شود و نیز مادگان، چون بزایند و دیگر بار آبستن شوند، خویشکاری (وظیفه) اردویسور است [۵، ص ۱۱۴].

۷. گوشودا^۲ و اناهیتا

روایت پهلوی از جمله آثاری به زبان فارسی میانه است که بر اساس ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا نوشته شده است [۱۳]. مطالب این کتاب را می‌توان از نظر موضوع به بخش‌های زیر تقسیم کرد: مطالب دینی - آیینی، مطالب اجتماعی، مطالب اخلاقی، اسطوره و پندارها و باورهای عامیانه. همچنین، روایت پهلوی گنجینه‌ای با ارزش از

۱. به معنی «روشنی بی‌آغاز» یا «روشنی بی‌کران» برترین بهشت یا جهان روشنی هرمزد است. آنغر روشن همچنین پنجمین پایه از پایه‌های هفتگانه آسمان است و خورشید بدان پایه ایستد.
۲. گوشودا یا گوشودا لفظاً به معنی «فراورده گاو نیکوآفریده» است که می‌تواند گوشت و یا شیر باشد.

دیدگاه اسطوره‌شناسی به شمار می‌رود. نویسنده از آفرینش جهان و آفریده‌های هرمزدی مطالبی ذکر کرده و همه این آفریده‌ها را مظاهر و پدیده‌هایی از ذات او می‌داند و از این جهت در میان متون فارسی میانه منحصر به فرد است [۱۳]. در فصل ۵۹ این نوشته چنین آمده:

3. [gōspand] ka kušt bawēd ā-š gōšudāg ēdōn baxšišn ērwārag uzwān ud čašm ī hōy hōm yazad xwēš gardan ašawahišt yazad xwēš sar way yazad xwēš arm ī dašn **ardwīsūr yazad** xwēš arm ī hōy druwāsp yazad xwēš haxt ī dašn frawahr ī jāmāsp... [56, pp. 218-219].

۳. زمانی که [گوسفند، گاو و ...] کشته شود، پس باید گوشودای آن این گونه تقسیم شود: آرواره، زبان و چشم چپ از آن ایزد هوم؛ گردن از آن ایزد اردیبهشت؛ سر از آن ایزد وای؛ بازوی راست از آن ایزد اردویسور؛ بازوی چپ از آن ایزد درواسپ؛ ران راست از آن فروهر جاماسب ... [۱۳، ص ۳۵۰]. این بخش از روایت پهلوی درباره پیشکش اندام‌های مختلف چهارپایان به ایزدان است. در این متن بیش از هر چیز، خویشکاری اناهیتا در آفرینش نمودار می‌شود.

۸. نقش اناهیتا در باران‌گرداری

دست‌نویس م/۲۹ مجموعه‌ای از چند متن درباره اسطوره‌ها و آیین‌های دین زردشت است که برخی از مضامین آن برگرفته از آثار پیشین به زبان فارسی میانه و برخی دیگر مضامین جدید است. در این متن، در بخش مربوط به «باران‌گرداری» از نقش اناهیتا در ایجاد باران سخن رفته است [۲۲، ص. ۳۵۳]. متن باران‌گرداری درباره چگونگی بخارشدن آب و رفتن آن به آسمان، به شکل بخار و ابر و سپس باریدن باران است. در باران‌سازی ایزدان و دیوان نقش دارند و ایزدان باران‌گردار برای تداوم زندگانی آفریدگان هرمزدی و آفرینش وی با دیوان می‌جنگند تا باران ببارد [۲۲، ص. ۳۵۱].

6. u-š framūdār dādār ohrmazd ud rāyēnīdārīh ud kārēgar az dādār framān tīštar ud sadwēs star ud wahman, **ardwīsūr** ud wād ud hōm ud dēn ud burz ud ahlawān frawahr.

۶. و فرمودار آن دادار اورمزد [است] و [آن را] آستاری و کاریگر [آن]، از فرمان دادار، تشتر و ستاره سدویس و بهمن [و] اردویسور [اناهید] و باد و هوم و دین و برز [ایزد] و فروهر اشوان [اند] [۲۲، ص. ۳۵۷].

9. dēn ud dahibad xwarrah **ardwīsūr anāhīd**, wihān [ī] āyōzišn, ud ātaxš ham-kārīhā abāg wārān petyāragān, dēwān ud jādūgān ud parīgān kē-šān kamālīgān apōš dēw ud spōzgar [ī] drōj kōšīdan [az] wārān petyāragīh spōxtan.

۹. دین و فرّه شهریاری موجب به جوشش درآمدن [آب‌های] اردویسور [اناهید] و آتش را در همکاری [با باران - کرداران] با پتیارگان باران، دیوان و جادوان و پریان - که سرکرده آنان اپوش دیو و سپوزگر دروج [اند] - جنگیدن و [آنان را] از پتیارگی باران بازداشتن [است] [۲۲، ص. ۳۵۷].

۹. نتیجه‌گیری

نام ایزدبانو اناهیتا در بیشتر متون دینی و اساطیری فارسی میانه به شکل‌های گوناگون آمده است. اشاره‌هایی که در کتیبه‌های کرتیر به اناهیتا و آتشکده او شده نشان می‌دهد که این ایزدبانو در زمان کرتیر نقشی سیاسی و دینی در مجموعه ایزدان ایرانی یافت و در نتیجه، کرتیر که شخصیت بانفوذ سیاسی بود، به‌عنوان موبد آتشکده اناهیتا برگزیده شد. به نظر می‌رسد که کرتیر با دراختیار گرفتن این مکان مقدس کوشش کرده تا از نفوذ این ایزدبانو بکاهد و به‌رحال، تولیت آن را از دست خاندان شاهی خارج ساخته، نظارت بر آن را بخشی از وظایف سازمان دینی زردشتی نشان دهد. با این حال، پس از کرتیر و در زمان نرسه، بنا بر شواهد مکتوب، بزرگداشت ایزدبانوی پشتیبان خاندان ساسانی اناهیتا بار دیگر رونق یافت. نرسه در کتیبه پایکولی تأکید می‌کند که وقتی بزرگان ایران به‌اصرار، خواستار شاهنشاهی او شدند، وی «به نام اورمزد و تمامی ایزدان و بانو اناهیتا» از ارمنستان رهسپار ایرانشهر شد. در بندهش، اناهیتا «پدر و مادر آب‌ها» می‌شود؛ هرمزد او را می‌ستاید، شخصیت‌های اساطیری و قهرمانان همچون جمشید، فریدون، هوشنگ و ... برای او قربانی می‌کنند. در روایت پهلوی بر پیشکش اندام‌های مختلف چهارپایان به اناهیتا تأکید می‌شود و در دست‌نویس م/۲۹۰ نقش او در باران‌کرداری پررنگ است؛ بنابراین، اناهیتا در نوشته‌های فارسی میانه ایزدی محبوب و مهربان است؛ اما دینکرد روایتی متفاوت دارد. بدون شک، زندگی و اسطوره پیامبران در همه ادیان بسیار شگفت‌انگیز است. در مورد زردشت، بنا بر متن دینکرد، اناهیتا یاریگر او در زمان زایش است و در پایان جهان نیز برای برانگیختن منجیان جهان، اناهیتا نقش بسزایی ایفا خواهد کرد. اناهیتا را بنا بر نوشته‌های فارسی میانه، می‌توان الهه و مظهر آب‌ها، الهه عشق و باروری و پدر و مادر آب‌ها دانست که در پایان جهان به برانگیختن منجیان اهتمام می‌ورزد. همچنین، سیاست کرتیر درباره در دست گرفتن نگرهبانی پرستشگاه اناهیتا اهمیت این ایزد را در امور سیاسی دوره ساسانی روشن می‌سازد. با این حال، در بررسی و تحلیل نوشته‌هایی که پیش از این آمد، چند نکته را باید مدنظر قرار داد:

یک. سنگ‌نوشته‌ها و متون فارسی میانه لزوماً بیانگر اندیشه و تفکر همه اقشار جامعه در دوره ساسانی نیست و بیشتر نماد اندیشه دربار و روحانیان است.
 دو. بدون شک شخصیت ایزدبانو اناهیتا در طول زمان دگرگون شده است و با ایزدان دیگر همچون ایشتر آمیخته است؛ بنابراین، اناهیتایی که در *آبان‌یشت اوستا* تصویر شده است با اناهیتا در متون فارسی میانه متفاوت است.

سه. در تحلیل داده‌ها به خطر داریم که خاندان بنیانگذاران فرمانروایی ساسانی از پیش از شکل‌گیری فرمانروایی، در آتشکدهٔ اناهیتا در استخر فعالیت داشتند و بنابراین، اناهیتا نزد شاهان این سلسله جایگاه ویژه‌ای داشته است. ساسانیان را باید وارث سنت زنده‌ای به‌شمار آورد که سالاری آتشکدهٔ اناهیتا را از لوازم ضروری حکمرانی مشروع می‌دانست.

منابع

- [۱]. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم و گلشن اسماعیل‌پور. (۱۳۹۳). «نقش خدایان ایلامی در شکل‌گیری تثلیث ایزدی هرمزد- میترا- اناهیتا»، *جستارهای ادبی، تهران*: شماره ۱۸۶، پاییز، صص ۱۷-۲۸.
- [۲]. اکبرزاده، داریوش. (۱۳۸۵). *سنگ‌نبشته‌های کرتیر موبدان موبد، تهران*: پاییز.
- [۳]. آموزگار، ژاله. (۱۳۹۵). *تاریخ اساطیری ایران، تهران*: سمت.
- [۴]. آموزگار، ژاله و احمد تفضلی. (۱۳۸۴). *اسطورهٔ زندگی زردشت، تهران*: چشمه.
- [۵]. بندهش، (۱۳۹۵). گزارنده مهرداد بهار، تهران: توس.
- [۶]. بویس، مری. (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت، جلد دوم: هخامنشیان، ترجمهٔ همایون صنعتی‌زاده، تهران*: توس.
- [۷]. تفضلی، احمد. (۱۳۹۷). *تصحیح و ترجمهٔ سوتکرتسک و ورثت مانسرتسک از دینکرد ۹، به کوشش ژاله آموزگار، تهران*: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- [۸]. _____ (۱۳۹۳). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران*: سخن.
- [۹]. _____ (۱۳۸۴). «کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دورهٔ ساسانی»، *بدعت‌گرایی و زندق در ایران عهد ساسانی، به کوشش ملیحه کرباسیان و محمد کریمی زنجانی اصل، تهران*: اختران، صص ۳۱-۴۶.
- [۱۰]. جم، پدرام. (۱۳۹۸). «آیا ساسانیان روحانی تبار بودند؟»، *پژوهش‌های علوم تاریخی، تهران*: دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۴۳-۶۲.
- [۱۱]. دینکرد هفتم. (۱۳۸۹). *ترجمهٔ محمدتقی راشدمحصل، تهران*: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۱۲]. رجبی، پرویز. (۱۳۵۰). «کرتیر و سنگ‌نبشتهٔ او در کعبهٔ زردشت»، *مجله بررسی‌های تاریخی، سال ششم، شمارهٔ ویژه، مهرماه، صص ۱-۶۸*.
- [۱۳]. *روایت پهلوی، گزارنده مهشید میرفخرایی، تهران*: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۱۴]. شاپورشه‌بازی، علیرضا. (۱۳۵۷). *شرح مصور نقش رستم فارس، شیراز*: بنیاد.
- [۱۵]. شامون، ماری لوییز. (۱۳۸۱)، «آناهید کیش و پراکنش او»، *ترجمهٔ مریم اردستانی، نامه انجمن، تهران*: شماره ۶، تابستان، صص ۱۳۲-۱۳۹.
- [۱۶]. عریان، سعید. (۱۳۹۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی- پارتی)، تهران*: نشر علمی.
- [۱۷]. فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۷۳). *میراث باستانی ایران، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران*: انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۸]. کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۹۵). *ایران در زمان ساسانیان، ویراستهٔ حسن رضایی باغبیدی، تهران*:

- صدای معاصر.
- [۱۹]. کومون، فرانترز. (۱۳۸۹). «آناهیتا ایزدبانوی آیین مزدیسنا»، ترجمه عبدالشیر محمد فومشی، چیستا، تهران: سال ۲، (۲۸)، شماره ۲۷۶، آبان، صص ۵-۷.
- [۲۰]. گیرشمن، رمان. (۱۳۷۰). هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۲۱]. گویری، سوزان، (۱۳۹۳). آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی، تهران: ققنوس.
- [۲۲]. مزدپور، کتایون. (۱۳۷۸). بررسی دست‌نویس م.او.۲۹: داستان گرشاسب، تهمورس، جمشید، گلشاه و متن‌های دیگر، تهران: آگاه.
- [۲۳]. مقدم، محمد. (۱۳۸۸). جستاری درباره ناهید و مهر، چاپ سوم، تهران: هیرمند.
- [۲۴]. مولایی، چنگیز. (۱۳۹۲). آبان‌یشت: (سرود اوستایی در ستایش اردویسورناهید)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. میرفخرایی ← روایت پهلوی
- [۲۵]. هرتسفلد، ارنست. (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۲۶]. هرمان، جورحینا. (۱۳۷۳). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [27]. Bartholomae, Ch., (1961). *Altiranisches Wörterbuch*, Walter de Gruyter, Berlin
- [28]. Benveniste, E., (1929). *The Persian Religion According to the Chief Greek Texts*, Paris: P. Geuthner
- [29]. Boyce, M., (2011). "Anāhīd", *Encyclopedia Iranica*, Vol. I, Fasc. 9, pp. 1003-1011
- [30]. ----- (1982). *A History of Zoroastrianism*, vol. II, Under the Achaemenians, Brill, Leiden/ Köln
- [31]. Chaumont, M.L, (1985). "Anāhīd", (III. The Cult and its Diffusion), *Encyclopedia Iranica*, vol. 1, London, Boston and Henley
- [32]. Christensen, A., (1928). *Etudes sur le Zoroastrisme de la Perse antique*, Kobenhavn, A. F.Host
- [33]. Cumont, F, (1908). Anāhitā, *Encyclopedia of Religion and Ethics*, vol. 1, ed. by J. Hastings, New York
- [34]. De Jong, A., (1997). *Traditions of the Magi: Zoroastrianism in Greek and Latin Literature*, Leiden: Brill
- [35]. Geiger, W., (1882). *Ostiranische Kultur im Alterum*, Erlangen: Deichert
- [36]. Gignoux, Ph., (1991). *Les Quatre Inscriptions du Mage Kirdīr (Textes et Concordances)*, L'Association pour L'avancement des Etudes Iraniennes, Paris
- [37]. ----- (1972). *Glossaire des Inscriptions Pehlevies et Parthes*, Corpus Inscriptionum Iranicarum, London
- [38]. ----- (1968). "L'inscription de Kartir a Sar Mašhad", *Journal Asiatique* 256, pp.387-418
- [39]. Gnoli, G., (1974). "Politique religieuse et conception de la royauté sous les Achemenides," *Acta Iranica* 2, Leiden: Brill, pp. 117-90
- [40]. Gray, L.H., (1929). *The Foundation of the Iranian Religion*, Bombay: K.R. Cama Oriental Institute
- [41]. Grenet, F, (1990). "Observations sur les titres de Kirdīr", *Studia Iranica* 19, pp. 87-94
- [42]. Herzfeld, E, (1924). *Paikuli*, Berlin

- [43]. Hintze, A, (2009). "Avestan Literature", in Ronald E. Emmerick and Maria Mauch, eds., *The Literature of Pre-Islamic Iran*, London: I. B. Tauris, pp. 1-71
- [44]. Humbach, H and Skjaervo, P.O, (1978-1983). *The Sassanian Inscription of Paikuli*, 3vols, Wiesbaden
- [45]. Kellens, J., (2002-03). "Le probleme avec Anāhitā," *Orientalia Suecana* 51-2, pp. 317-26
- [46]. Kent, R.G, (1950). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*, American Oriental Society, New Haven, Connecticut
- [47]. Lommel, H., (1954). "Anahita-Sarasvati," *Asiatica: Festschrift für Friedrich Weller Zum 65*, Leipzig: Harrassowitz, pp. 405-13
- [48]. Malandra, W., (2013). "Anāhitā: What's in a Name?" in Jamsheed K. Choksy and Jennifer Dubeansky, eds., *Gifts to a Magus: Indo-Iranian Studies Honoring Firoze Kotwal*, New York: Peter Lang, pp. 104-111
- [49]. -----, (1983). *An Introduction to Ancient Iranian Religion*, Minneapolis: University of Minnesota Press
- [50]. Nöldeke, Th. (1887). *Aufsätze zur persischen Geschichte*, Leipzig, Weigel
- [51]. Nyberg, H. S., (1938). *Die Religionen des alten Iran*, Leipzig: J. C. Hinrichs
- [52]. Pakzad, F, (2005). *Bundahišn Zoroastrische Kosmogonie und Kosmologie*, Band I, Kritische Edition, Tehran
- [53]. Panaino, A., (2000). "The Mesopotamian Heritage of Achaemenian Kingship," in Sanno Aro and R. M. Whiting, eds., *The Heirs of Assyria: Proceedings of the Opening Symposium of the Assyrian and Babylonian Heritage Project*, Helsinki: The Neo-Assyrian Text Corpus Project, pp.35-49
- [54]. Skjaervo, P.O, (1983). *The Sassanian Inscription of Paikuli, Part 3.1 (Restored Text and Translation)*, Munich, Germany
- [55]. Widengren, G., (1965). *Die Religionen Irans*, Stuttgart: Kohlhammer
- [56]. Williams, A. (1990). *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādēstān ī Dēnīg*, Transliteration, Transcription and Glossary, Copenhagen